

## چرا طالبان هبت‌الله آخذزاده را انتخاب کرد؟



Image copyright

بی بی سی: گروه طالبان به دنبال اعلام و تایید کشته شدن رهبر خود ملا اختر منصور اعلام کردند که مولوی هبت‌الله معاون اول وی اکنون به عنوان رهبر تازه طالبان انتخاب شده است. بر اساس اعلامیه‌ای که از سوی طالبان منتشر شد، سراج‌الدین حقانی پسر جلال‌الدین حقانی رهبر شبکه حقانی و مولوی یعقوب پسر ملا محمد عمر رهبر اسبق طالبان هم به عنوان معاونان رهبر جدید طالبان تعیین شده‌اند.

گروه طالبان در اعلامیه خود بار دیگر بر ادامه جنگ در افغانستان تاکید ورزیده است.

ضیا شهریار از بخش فارسی بی‌بی‌سی، گفتگویی داشته است با مایکل سمپل، نویسنده و از ناظران تحولات افغانستان و طالبان درباره رهبر جدید این گروه، رابطه او با فرماندهانش و دیدگاه‌های رهبر تازه درباره مذاکرات صلح:

### چرا طالبان مولوی هبت‌الله را انتخاب کرد؟

خوب اگر از دید جایگاه افراد و تشکیلاتی به این قضیه نگاه کنیم هبت‌الله معاون اول ملا اختر منصور بود؛ و به عبارتی معاون (پس از کشته‌شدن رئیسش) مقام اول را کسب کرد. ببینید، طالبان همه اختیارات را به "امیر" می‌دهند و در این چارچوب طالبان یک نظام مشخص و روشن در خصوص روند انتخاب نفر بعدی برای یک پست تشکیلاتی ندارند.

بنابر این از آنجاییکه "امیر" قدرت کامل را در اختیار دارد، این بدین معنی است که نیروهای طالبان خواهند گفت که خوب "امیر" به این فرد، هبت‌الله، اعتماد کامل داشته و بنابر این، این فرد رهبر ماست. خوب از این دیدگاه تشکیلاتی البته هبت‌الله فردی است که بیشترین دلیل انتخاب شدن برای این پست را دارد و نمی‌توان دلیلی برای مخالفت با آن ارائه داد.

آیا شما اطلاعی از اینکه او چگونه و در چه جایی و یا به چه صورتی انتخاب شد دارید؟

تا آنجایی که مشخص است، رهبران و فرماندهان در شورایی در کوئته (مرکز بلوچستان پاکستان) او را انتخاب کردند. نکته جالب در مقایسه این انتخاب با انتخاب شدن ملا اختر منصور است. در واقع و در زمانی که خیر مرگ ملا عمر منتشر شد؛ تقریباً همان شب ملا منصور گروهی از افرادی را که به آنها اعتماد داشت جمع کرد؛ یعنی ترکیبی از رهبران ارشد طالبان که دستچین شده بودند. آنها به عبارتی از نظر سیاسی تصمیم گرفتند که این انتخاب (رهبری ملا منصور) بهترین راه است.

در واقع شاید او نمی‌خواست که روند این انتخاب (خودش را) برعهده همه اعضای شورای رهبری بگذارد. هیت‌الله به اندازه ملا منصور دارای قدرت در بین طالبان نیست و به همین دلیل تصمیم گرفته تا اعضای بیشتری را برای انتخابش (در مقایسه با منصور) گردهم بیاورد؛ نه فقط افراد بسیار نزدیک به او (آنگونه که در زمان منصور اتفاق افتاد).



Image copyright در زمان ملا منصور اختلافاتی بروز کرد و برخی از اعضای طالبان با رهبری وی موافق نبودند. این انتخاب جدید را چگونه می‌بینید؛ بویژه در چارچوب به اصطلاح وحدت گروه طالبان؟

خوب از یک نگاه انتخاب معاون پس از کشته شدن ملا منصور به رهبری گروه، نشانگر این است که طالبان به نوعی خواهان ادامه همان روش ملا منصور هستند. به هر حال هیت‌الله از سوی منصور انتخاب شده بود و وی از حامیانش بود در واقع حتی مدتها پیش از رهبری منصور. از سوی دیگر در حدود یکسال رهبری، ملا منصور تلاش کرد تا به نوعی انسجام طالبان را برقرار کند و ترمیم بخشد؛ بویژه در دوره‌ای که رقابتهای شدید برای رهبری ایجاد شده بود و گروه‌های انشعابی به وجود آمدند. هیت‌الله تلاش می‌کند که از این رقابت‌ها دوری کند. به هر صورت در چنین تشکیلاتی با وجود شبکه و شاخه‌های مختلف، تنش وجود دارد و این طبیعتاً به معنی مانورهای قدرت رهبران برای بدست آوردن اختیارات و امکانات بیشتر است و همه آنها به معنی انشعاب ناپیستی تعبیر شود.

در مقام مقایسه حالا که منصور کشته شده است، می‌توان با نگاهی به گذشته گفت که ملا منصور به نوعی یک بازیگر سیاسی بود، یک فرد استراتژیست که تلاش داشت تشکیلات را نگه دارد و بسازد. آنگونه که از هیت‌الله شناخت دارم وی فردی است که با اصطلاح شنونده خوبی نیست و فردی نیست که بتواند با دیگران اظهار مشارکت و همدردی کند و در این چارچوب فکر می‌کنم ممکن است با چالشهایی روبرو شود.

اگرچه فکر نمی‌کنم این امر منجر به انشعاب شود، اما فکر کنم که به رقابتهایی سیاسی که گاهی می‌تواند خشن باشد، منجر شود. در این خصوص می‌توانم به قدم اول هیت‌الله اشاره کنم که وی از گروه رقیب ملا رسول، دعوتی برای شرکت در گردهمایی تأیید رهبر تازه، به عمل نیاورد. در واقع این زمان زمانی مناسب و فرصتی برای وی بود تا این اختلافات را ترمیم کند. اما به نظر می‌رسد که او آشکارا به عبارتی گفت که به آنها (ملا رسول و دیگران) نیازی نیست.

به عبارتی او با این اقدام تصمیم گرفت تا با آنهایی که با وی مخالفتی ندارند کار کند تا با دیگران و مخالفانش. بنابر این قدم اول او به عبارتی تفرقه‌برانگیز بود.



رابطه رهبر تازه با فرماندهان محلی را چگونه ارزیابی می کنید؟ GETTY IMAGES Image copyright

خوب نکته اول آنکه انتخاب معاون اول به جای رهبر کشته شده طالبان یعنی ادامه همان راه گذشته؛ یعنی رهبری طالبان نیازی به تغییر نمی‌بینند. البته من فکر می‌کنم که تحولاتی به میان خواهد آمد. دوستی و رابطه بین افراد و بین رهبران و فرماندهان مهم است. ملا منصور تا زمان اعلام رهبریش چیزی حدود دو سال و نیم وقت داشت تا زمینه‌های اینگونه روابط را آماده کند. در این مدت او رابطه خود را با بسیاری از فرماندهان عملیاتی و محلی طالبان افزایش داد و مستحکم کرد. بنابر این وقتی که او رهبر شد بسیاری از این فرماندهان از اینکه شخصی که با آنها رابطه داشته و به عبارتی رفیقشان بوده و نیازهای آنها را برآورده می‌کرده، اکنون رئیس شده، موافق بودند. این فرصت برای هیت‌الله فراهم نبوده است. در عین حال هیت‌الله به نوعی رهبری مذهبی آنها بوده به هم می‌شده گفت دست راست مذهبی و روحانی ملا اختر منصور. و منصور از او برای فتاوی که در خصوص فعالیت‌های طالبان استفاده می‌کرده است. بنابر این هیت‌الله فردی نبوده که ارتباط مستقیمی با فرماندهان محلی داشته باشد.

**آمریکایی‌ها و دولت افغانستان می‌گویند که ملا منصور هدف حمله قرار گرفت چرا که او با روند صلح مخالف بود. نگاه رهبر جدید را در این رابطه و موضوع مذاکرات چگونه می‌بینید؟**

خوب البته این امید وجود دارد. اما تقریباً مطمئن هستم که قدم اول طالبان این است که نشان دهند روند گذشته ادامه پیدا می‌کند. البته ممکن است مانورهای تبلیغاتی انجام شود. ولی خوب نگاهی به سابقه هیت‌الله نشان می‌دهد که هیت‌الله هم به اندازه ملا منصور تندرو است. ببینید، در درگیری‌های داخلی که به گفته‌ای 'مجاهد علیه مجاهد سلاح برداشته است'، این هیت‌الله بود که پوشش (مذهبی و فتوا) برای آن (درگیرها) ارایه داد. بنابر این اگر او قادر باشد که چنین فتوایی بدهد، خوب کمی غیرطبیعی است که بشود تصور کرد که او چرخشی بکند و با روند صلح موافقت کند. البته این به معنی ختم ماجرا نیست. افراد و فرماندهانی که در عمل در جنگ شرکت دارند، آنهایی که با شاید کمترین امکانات کشته می‌دهند و زخمی می‌شوند و برای درگیرها خاتمه‌ای نمی‌بینند، این حق را دارند که ببینند رهبرانشان چه راهی در پیش دارند و چه می‌خواهند.

اگر هیت‌الله برای این مسایل گوش شنوایی نداشته باشد خوب ممکن است با مشکل مواجه شود. اگر از من بپرسید که چگونه احتمال یک تغییر را در روش تندروییانه طالبان می‌بینم، باید بگویم به نظر من این تغییر نمی‌تواند از سوی آمریکا یا افغانستان و شاید با کمک پاکستان ایجاد شود، بلکه چنین تغییری باید در داخل طالبان بوجود آید. یعنی اعضای

طالبان مفید بودن ادامه راه و روش تندروانه را به چالش بکشند. این به نظر من میتواند منطقی‌تری راه برای تعبیر روش طالبان باشد.



THINKSTOCK Image copyright درباره رابطه او با پاکستان می‌دانیم؟

ببینید در یک نگاه واقع بینانه باید بگویم که هبت‌الله برای سالها مدرسه‌ای (مذهبی) را در پاکستان در اطراف کوئته اداره می‌کرده است. خوب با توجه به این نکته می‌شود گفت که هبت‌الله بدون مشکلی در پاکستان زندگی و کار می‌کرده. و طبیعتاً به برخی از مشورت‌های پاکستانیها گوش می‌کرده و البته آگاه از این نکته بوده که مخالفت ادامه‌دار با مشورت‌های پاکستانیها ممکن است برای طالبان گران تمام شود.

**خوب با توجه به این نکته چقدر او می‌تواند از پاکستانی‌ها مستقل باشد؟**

خوب این نکته مهمی است. افرادی مانند او نیاز به امنیت دارند؛ نیاز به آزادی عمل برای فعالیت‌های سیاسیت‌شان دارند. در این چارچوب باید مراقب باشند تا مشکلاتی را برای آنها که این کمکها را برایشان فراهم می‌کنند بوجود نیاورند. با این نکته مخالفم که این گونه افراد بنابر این از مقامات آن کشور مثلاً دستور می‌گیرند و نمی‌توانند کاری را در مخالفت با آنها انجام دهند. درباره افغانهایی که در پاکستان زندگی می‌کنند و قضیه طالبان، این روابط کمی با این گونه نگاههای (ارباب رعیتی) متفاوت است.

**آیا چیزی در رابطه طالبان و هبت‌الله با گروه‌هایی مانند القاعده می‌دانیم بویژه اینکه گزارشهایی درباره افزایش فعالیت‌های القاعده در افغانستان منتشر شده است؟**

در زمان منصور می‌دانیم که القاعده با منصور به عنوان "امیر المومنین" بیعت کرده بود. و طالبان نیز آن را علناً اعلام کرده بود. در همین زمان خوب هبت‌الله روحانی طالبان بوده پس خوب منطقی حکم می‌کند که او هم با این موضوع همراه و موافق بوده است. سخت است که بگویم هبت‌الله تغییر موضع دهد و اگر مثلاً ایمن ظواهری اعلام بیعت با او بکند بتوان تصور کرد که هبت‌الله با آن مخالفت کند و یا درباره آن سکوت کند.

البته مخالفت‌هایی در بین طالبان بر سر موضوع رابطه با القاعده وجود دارد. برخی با موافقت منصور با بیعت اعلام شده از سوی القاعده مخالف بوده‌اند. به گفته آنها تلاش القاعده با فعالیت‌های طالبان متفاوت است و اینکه این القاعده بود که در سال ۲۰۰۱ باعث مشکلات بین طالبان و جهان شد.